

خواست؟

داود نبی در مزمور ۲۵ در خصوص نگرشی سخن می‌گوید که طالبان شنیدن صدای خدا و درک اراده او باید از آن برخوردار باشند. امیدوارم که خودتان این مزمور را بدقت مورد مطالعه قرار دهید. اما لطفاً اجازه بدهید که در این مورد به چند نکته اشاره کنم:

نخست باید مشتاق دریافتن آنچه باشیم که موجب خشنودی خداست. «ای خداوند طریق‌های خود را به من بیاموز... مرا به راستی خود سالک گردان و مرا تعلیم ده» (آیات ۴-۵). دیگر آنکه خداوند هادی فروتنان است نه متکبران: «مسکینان را به انصاف رهبری خواهد کرد»

(آیات ۱۲-۱۴). نکته دیگر اینکه

خداوند اراده خود را بر خدا ترسان و مطیعان آشکار می‌کند که در

حضور او با ستایش و حمد

سرتعظیم و تکریم فرو می‌آورند.

مضافاً اینکه از مطالعه رومیان

۲:۱-۱۲ در می‌یابیم که خداوند

اراده‌اش را بر آنان آشکار می‌سازد

که حتی پیش از درک اراده او،

مطیع و سرسپرده وی هستند. او

هادی کسانی است که دنیا

تعیین‌کننده نحوه تفکرشان نیست

بلکه خود از دریچه کلام خدا به

زندگی نگاه می‌کنند.

خدا در این خصوص که

ایمانداران چگونه اراده او را درک

و تفسیر می‌کنند بسیار حساس است، و به دقت روشهای غیرقابل قبول

را مشخص می‌سازد. در تثنیه ۱۸:۱۰-۱۲ می‌خوانیم «و در میان تو کسی

یافت نشود که پسر یا دختر خود را از آتش بگذرانند، و نه فالگیر و نه

غیب‌گو و نه افسونگر و نه جادوگر، و نه ساحر و نه سؤال‌کننده از اجنه و

نه رمال و نه کسی که از مردگان مشورت می‌گیرد. زیرا که هر که این

(بقیه در صفحه ۱۲)

«سر خداوند با ترسندگان اوست» (مزمور ۱۴:۲۵)

ما هر روزه در خصوص زندگی و خدمت فردی خود با تصمیم‌گیری‌هایی روبرو هستیم. اگر به امر خدمت به ایمانداران مشغولیم، ایشان حتماً در باره تصمیماتشان از ما مشورت می‌طلبند.

حال چگونه می‌توانیم اطمینان حاصل کنیم که روش ما برای درک اراده خدا روشی است صحیح؟ من بر این باورم که درک اراده خدا و تفسیر آن برای دیگران بزرگترین عرصه‌ای است که ما شبانان در آن دخل و تصرف می‌کنیم. ما اغلب اراده و خواست خود را با اراده خدا اشتباه می‌گیریم و سپس آن را برای دیگران تفسیر می‌کنیم، و اراده خدا را وسیله‌ای

می‌سازیم برای رسیدن به منافع

شخصی‌مان. اما به جاست که تعالیم

کتابمقدس را در خصوص درک

اراده خدا مجدداً بررسی کنیم.

در ابتدا باید به خاطر داشته

باشیم که خداوند خواستار این

است که اراده خود را برای

فرزندانش آشکار نماید. نخستین

روشی که برای این فرایند قرار

داده، استفاده از کلام اوست.

بنابراین هر چه بیشتر با کلام خدا

آشنا باشیم، بهتر بر حل این مشکل

فائق خواهیم آمد. البته باید این

نکته را خاطر نشان سازم که من بر

این باورم که خدا بطور مستقیم نیز

با ما صحبت می‌کند. در مزمور

۱۴:۲۵ می‌خوانیم «سر خدا با ترسندگان اوست.» و در عاموس ۳:۷ چنین

آمده که «زیرا خداوند یهوه کاری نمی‌کند جز اینکه سر خویش را به

بندگان خود، انبیا مکشوف می‌سازد.» و اگر این آیات کفایت نمی‌کنند،

کلام عیسی مسیح را داریم که می‌فرماید: «گوسفندان من آواز مرا

می‌شنوند، من آنها را می‌شناسم و مرا متابعت می‌کنند» (یوحنا ۱۰:۲۷).

اما چگونه می‌توانیم اطمینان حاصل کنیم که آنچه می‌شنویم صدای

تشخیص اراده خدا

سرسخن

دوستان گرامی در مسیح،

با دروهای گرم در پیوند محبت مسیح، خدا را برای وجود هر یک از شما خوانندگان گرامی چهاردهمین شماره مجله شبان شکر می‌کنم. وقتی که مقالاتم را می‌نویسم، اغلب به آن دسته از خوانندگان فکر می‌کنم که بسیار دور از ما مسیح را با اشتیاق خدمت می‌کنند، و برای آنها دعا می‌کنم. وقتی که برچسب نشانیها را روی پاکتها می‌چسبانم، خودتان و خدمتتان را در دعا به حضور خدا بالا می‌برم. بسیاری از شما با ارسال ای‌میل و فاکس، اظهار داشته‌اید که چقدر از مقالات شبان بهره می‌برید؛ این امر بزرگترین پاداش ماست. می‌دانم که همه همکاران من در مجله شبان، فقط یک آرزو داریم و آن هم جلال دادن خداوندمان عیسی مسیح است و تشویق شما خوانندگان عزیز تا مسیح را صمیمانه‌تر پیروی کنید و او را مؤثرتر خدمت نمایید.

شبان به صورت رایگان برای بیش از ۱۹۰ خادم خداوند که در ۲۵ کشور مختلف خدمت می‌کنند، ارسال می‌شود. جدیدترین خواننده ما، در کشور فیلیپین زندگی می‌کند و در آنجا مشغول مطالعه الهیات می‌باشد. حتماً باعث دلگرمی تان خواهد شد که بدانید مجله شبان به کشورهای یونان، اوکراین، تایلند، پاکستان، و ژاپن نیز ارسال می‌شود. خواهش می‌کنم برای برادران و خواهران ما که در این کشورها خدمت می‌کنند، دعا بفرمایید.

همانطور که قبلاً متذکر شده بودیم، شبان اکنون بر روی اینترنت موجود است. اگر به کامپیوتر دسترسی دارید، می‌توانید از سایت زیر بازدید کنید: www.Farsinet.com و شماره فعلی و شماره‌های قبلی را بخوانید.

در این شماره خوشحالیم که می‌توانیم موعظه‌ای را از برادرمان، کشیش بنیامین نازنین، خادم کلیسای جماعت ربانی ایران، درج کنیم. همچنین جای خوشوقتی است که تا حد امکان، می‌توانیم اعلانات شما خادمین گرامی را در زمینه منابع و کتب جدید مسیحی به چاپ برسانیم. درضمن، نامه‌هایی در مورد مقالات مجله دریافت می‌داریم. از میان این نامه‌ها، آنهایی را که برای دیگران نیز مفید است درج می‌کنیم یا پاسخشان را ارائه می‌دهیم.

بار دیگر از تمام کسانی که وقت خود را برای نوشتن مقالات در اختیار ما قرار می‌دهند تشکر می‌کنم. دعایم این است که این شماره باعث برکتان گردد.

تت استیوارت

سردبیر

مطالب این شماره:

- تشخیص اراده خدا
(تت استیوارت) ص ۱
- همچون نوح، واعظ عدالت ص ۳
- خدمت شبانی (بخش چهارم)
(تت استیوارت) ص ۴
- بیماریهای شبانی (بخش ۲)
(نینوس مقدس‌نیا) ص ۵
- خادم در مقام مدیر (بخش ۵)
(آرمان رشدی) ص ۷
- طرح کلی برای تهیه موعظه
(آرمان رشدی) ص ۱۱

مجله شبان

مدیر و سردبیر:

کشیش تت استیوارت

دفتر مجله:

TALIM MINISTRIES, Inc.
P.O. BOX 471736
Aurora, Colorado 80047-1736
U.S.A.

Tel: +1-303-873 66 11
Fax: +1-303-873 62 16
tatstewart@compuserve.com

شبانان و خادمینی که این مجله را دریافت می‌دارند، می‌توانند نام و نشانی سایر خادمینی را که این مجله به‌دستشان نمی‌رسد، به دفتر مجله بفرستند تا مجله برای ایشان نیز ارسال گردد.

همچون نوح، واعظ عدالت

لز کشیش بنیامین نازنین

رساند. آیا ما خادمین همچون نوح در خدمت خود مطیع فرمان خدا هستیم؟

خداترسی نوح، خادم خدا

همانطور که در عبرانیان ۷:۱۱ خواندیم، نوح پس از دریافت الهام از سوی خدا برای رسالتش، خداترس شد. خداترسی او حالت منفی نداشت. ترس منفی از شیطان است و بسیار ویرانگر. شیر در جنگل غرش می‌کند و حیوانات ضعیف از هراس غرش او خشک می‌شوند و شکار آنها برای شیر آسان می‌گردد. اما ترس مثبت آمیخته به احترام است. چنین ترسی است که خدا را خشنود می‌سازد.

او دستور یافته بود که خدا را خدمت کند. پس خداترس شد و خدمت خود را آغاز کرد. در اثر این خداترسی، او دیگر به شرایط ناسازگار اطراف خود نگاه نمی‌کرد. او مستقیم به آن کسی می‌نگریست که منشأ ایمان او بود. او مستقیم بسوی هدف می‌نگریست، بسوی خدمت به آن کسی که او را الهام بخشیده و فرا خوانده بود. خداترسی او باعث شد که خدمت خود را به درستی به کمال برساند.

آیا ما خادمین همچون نوح در خدمت خود، از خدایی که ما را به خدمت فرا خوانده ترس آمیخته به احترام داریم؟ ■

تحسین کرد و فرمود: «آفرین ای غلام نیک و متدین» یعنی وفادار. او ایشان را به خاطر توفیقشان تحسین نکرد، بلکه به خاطر امانت‌داری‌شان.

نوح خادمی متدین و وفادار بود و بدینسان باعث نجات خویش و خانواده‌اش شد، و نیز باعث الزام دنیا. همین برای خدا کافی بود. این رسالتی بود که خدا بر دوش او گذارده بود. نوح رسالت خود را با امانت به انجام رساند. آیا ما خادمین همچون نوح در خدمت خدا صبر و شکیبایی پیشه می‌کنیم؟

اطاعت نوح، خادم خدا

در پیدایش ۲۲:۶ چنین می‌خوانیم: «پس نوح چنین کرد و به هر چه خدا او را امر فرمود، عمل نمود.» نوح وظیفه‌ای دشوار بر عهده داشت. او در زمین خشک و آن هم به مدت ۱۲۰ سال، مشغول ساختن کشتی بود. شرایط اطراف بسیار مأیوس‌کننده بود. اما او در تمام این مدت، مطیع خدا بود. او مشکلات را تحمل کرد، و با ایمان و اطاعت خود، وارث عدالت گردید. به گفته پولس رسول، او به جنگ نیکو جنگ کرد و دوره خود را به کمال رساند و ایمان را محفظ داشت. از این رو، تاج عدالت در انتظارش بود (دوم تیموتاؤس ۷:۴ و ۸). او خدمت خود را با اطاعت به کمال

در عهد جدید در باره نوح دو آیه زیبا هست؛ یکی در دوم پطرس ۵:۲ است که می‌فرماید: «نوح، واعظ عدالت را با هفت نفر دیگر محفوظ داشته، طوفان را بر عالم بی‌دینان آورد.» و دیگری در عبرانیان ۷:۱۱ که فرموده: «به ایمان، نوح چون در باره اموری که تا آن وقت دیده نشده، الهام یافته بود، خداترس شده، کشتی‌ای به جهت اهل خانه خود بساخت و به آن، دنیا را ملزم ساخته، وارث آن عدالتی که از ایمان است گردید.»

صبر نوح، خادم خدا

نوح واعظ عدالت بود. خدمتی که خدا بر دوش او گذارد، هم عظیم بود و هم بسیار حساس. این واعظ عدالت در مورد چیزی که دیده نمی‌شد، الهام یافت. ساختن کشتی به مدت ۱۲۰ سال به طول انجامید. او در تمام این مدت صبر کرد و در مقابل یأس‌ها از درون و تمسخرهای مردم از بیرون ایستادگی نمود. او خادمی شکیبا و وفادار بود، اما نه الزاماً موفق! او ۱۲۰ سال موعظه کرد و دنیا را ملزم ساخت. اما ظاهراً موعظه او موفقیت آمیز نبود، چون کسی جز خانواده‌اش نجات نیافت. اما او در خدمت خود شکیبا و امین بود.

مسیح در مثل قنطارها در متی فصل ۲۵، آن دو خادم اول را به خاطر وفاداری‌شان

وظایف شبان در کتاب مقدس



امید بخشیدن به آسیب‌دیدگان

نوشته کشیش تت استیو آرت

خادم دردمندان

«چون اعمال ایمان شما و محنت محبت و صبر امید شما را در خداوندان عیسی مسیح در حضور خدا و پدر خود یاد می‌کنیم» (اول تسالونیک‌ی ۳:۱).

خداوند ما عیسی مسیح نسبت به آسیب‌دیدگان و محرومان رحم و شفقت خاصی داشت و این افراد همواره به‌دور او جمع بودند. ما نیز که خادمان او هستیم، خوانده شده‌ایم تا راه او را در پیش بگیریم و برای آنان که در رنج و دردند، منادی شفا و امید باشیم. جمله معروفی است که می‌گوید: «کلیسا هتل قدسین نیست، بلکه بیمارستان گناهکاران و دردمندان است!»

خادمی که در مسیر اراده الهی زندگی می‌کند، هر روزه با این موضوع روبرو است که برای دردمندان و رنج‌کشان و نیازمندان باید چه پیامی داشته باشد و برای آنان چه بکند. به‌عنوان مثل مردمانی که مدت‌های مدید به بیماری‌های مختلف جسمی، فکری و یا روحی دچار بوده‌اند، چنین فکر می‌کنند که

خدا آنها را از یاد برده و دیگر نسبت به آنها هیچ رحم و شفقتی نشان نمی‌دهد. یا آنان که در گناه خود گرفتارند، نمی‌دانند که منشأ مشکلات فکری و روحی‌شان در نگرش نادرست و قلب خطاکارشان است. افرادی نیز هستند که در گذشته مورد آزار و بدرفتاری قرار گرفته‌اند و رفتار امروزشان انعکاس رنج و دردی است که در گذشته متحمل شده‌اند. و یا آنان که زندگی‌شان به سبب از دست دادن عزیزی و یا وقوع حادثه‌ای ناگوار غرق در اندوه و یأس شده است. حال ما چگونه می‌توانیم برای چنین مردمی دردمند، منادی امید و آرامش باشیم؟

خلاصه کلام این که هدف از خدمت مسیحی، هدایت و راهنمایی مردم به سوی مسیح است. اوست صخره‌ای که برتر از ما و نیرومندتر از بحران‌های ما است. اوست پناه بی‌پناهان و امید نامیدان (لوقا ۴: ۱۹-۱۸ و متی ۲۸: ۱۱-۳۰). اما سؤال این است که «ما چگونه می‌توانیم پیام خوش آرامش عیسی مسیح را به دردمندان و رنج‌کشان برسانیم؟»

روش کمک

من خود به‌عنوان یک شبان، پس از سالها تجربه، به نکاتی چند دست یافته‌ام و باور دارم که می‌توانند برای شما نیز مایه برکت و هدایت باشند.

۱- وقتی مردم در مورد مشکلات

خود با شما مشورت می‌کنند، با جدیت و هشیاری به ایشان توجه کنید. به کلام دیگر، شنونده خوبی باشید. چنان که در امثال ۱۳:۱۸ می‌گوید، هر که سخنی را قبل از شنیدن جواب دهد، برای وی حماقت و عار می‌باشد. یک‌بار برای معالجه نزد پزشکی رفتم و او نظری به من انداخت و شروع به نوشتن نسخه کرد. من از این عمل او ناراحت شدم چرا که فرض می‌کرد حتی بدون معاینه کردن من مشکل مرا می‌داند! شما نیز مراقب باشید که در این دام نیفتید، و تا به اندازه کافی در مورد مشکلات مراجعین خود آگاه

آنفلوآنزای افراط‌زدگی !!!

نوشته کشیش نینوس مقدس‌نیا

روحانی هستید و فکر می‌کنید می‌شود همیشه (تا آخر عمر)، اعضا را هر شب در کلیسا جمع کنید؛ انگار که هیچ کس کار و زندگی ندارد!

● ۴- فکر می‌کنید که رسالت خاصی دارید تا یک‌تنه همه دنیا را (به یکباره) عوض کنید. در این میان، طبیعتاً کلیسای خودتان اولین جایی است که باید کاملاً همان چیزی باشد که شما می‌خواهید. اعضای کلیسا، از آب خوردن گرفته تا ازدواج کردن، باید مطیع شما باشند، چون کوچکترین تخلف می‌تواند نشانه لغزش و بی‌ایمانی آنان محسوب شود. در هر چیز هم باید شورش را دریاورید!

عواقب خطرناک این بیماری

عاقبت هر افراطی، کراهت مردم و بالاخره فروپاشی تشکیلاتی است که دچارش می‌باشد. در کلیسا و در کار شبانه هم نهایتاً چیزی جز این نخواهد بود.

هر حرف داغی، روزی از مُد خواهد افتاد؛ هر حرکت تندی، زمانی کُند خواهد شد؛ هر فشار بیش از حد، بالاخره باعث فرار اعضا می‌شود (هر چند، در میان اعضا

☞ صفحه بعد

حرارت، بیش از آنکه کار عوالم روحانی باشد، نشانه نوعی عفونت درونی است! اگر تب بالاتر برود، ممکن است دچار هذیان هم بشوید و حرفهایی بزنید که از هیچ انسان متعادلی شنیده نمی‌شود. گاهی حتی خودتان هم باورتان می‌شود که آنچه را که گفته‌اید، واقعی و امکان‌پذیر است.

● ۲- در کتابمقدس، کلیسا و دنیا، فقط آنچه که عجیب و غریب و غیر طبیعی باشد، در نظرتان جلوه دارد. همه چیز پیش چشمتان، معجزه و خارق‌العاده است. در واقع این را عادی و طبیعی می‌دانید که هر روز چیزی عجیب واقع شود و متوجه نیستید که اگر اینطور بود، دیگر اسمش را معجزه و خارق‌العاده نمی‌گذاشتند! به دیگران هم فشار می‌آورد که هر روز باید معجزه‌ای از خدا بگیرند، و گرنه حتماً کار جایی ایراد دارد.

● ۳- اصرار بیش از حدی دارید که همه مثل شما باشند (این از خصوصیات تب مُسری است). فکر می‌کنید که اگر همه اعضای کلیسایتان هفته‌ای هفت روز، روزی هفت ساعت در کلیسا نباشند، حتماً به اندازه کافی (و در حد خودتان) روحانی نیستند! در حال و هوای بیداریهای

نوع بیماری:

آنفلوآنزای افراط‌زدگی

در سالهای اخیر، هر زمستان را با نوع خاصی از آنفلوآنزا گذرانده‌ایم. اولینش «آنفلوآنزای هنگ‌کنگی» بود؛ بعدها انواع «چینی» و «بورکینا فاسویی» آن هم نصیبمان شد!

واژه «افراطی» در روزگار ما برای توصیف امور گوناگون به کار می‌رود. باید بپذیریم که افراط می‌تواند در دین نیز جا خوش کند. فریسیان و کاتبان دوران مسیح در خشک‌مذهبی بودن و فشار بر مردم، بسیار معروف بودند؛ کشیشان قرون وسطی هم همینطور. متأسفانه امروزه هم بعضی شبانان فکر می‌کنند که همیشه (حتی بطور مصنوعی هم که شده) باید تنور افراط‌گرایی را در کلیسا داغ نگاه دارند؛ و این را ضامن بقای خود و موفقیت ظاهری خدمت خویش می‌دانند. اینان دچار بیماری «آنفلوآنزای افراط‌زدگی» شده‌اند.

نشانه‌های بیماری

● ۱- تب بالا؛ همین باعث می‌شود که همیشه احساس گرما کنید. اما این

(دنباله صفحه قبل)

می توان شمار معدودی را یافت که از تحت فشار قرار گرفتن در کلیسا، ناخودآگاه لذت می برند!.

توجه داشته باشید که بالا بردن سطح توقع اعضا از خدا و دعا و دنیا، در نهایت، یا باعث سرخوردگی آنان می شود، و یا باید با نوعی حالت خودفریبی، خود را پا به پای شبانشان بکشانند تا ثابت کنند که در ایمان (البته از نوع هپروتی و خیالاتی آن) همچنان استوارند!

جیم جونز را به یاد دارید که در اواخر دهه ۱۹۷۰ با موفقیتی سریع، عده‌ای را گرد خود جمع نمود، و وادارشان کرد که با فروش مایملک خود، به «گویان» در آمریکای جنوبی مهاجرت کنند. عاقبت جامعه بسته و افراطی و کاملاً تحت سلطه او، خودکشی جمعی وی و پیروانش بود.

راه درمان

● ۱- یک بار دیگر کتاب مقدس را بخوانید و این دفعه، به دنبال هر آنچه نُرمال و منطبق بر روند طبیعی زندگی است بگردید. خواهید دید که در زندگی مردان خدا، انبیا و رسولان، همیشه و همه جا وقایع عجیب و غریب اتفاق نیفتاده است. در واقع، بجز معدود اتفاقات خارق‌العاده و معجزه‌آسا، زندگی آنان همان روال عادی و روزمره را طی کرده است، البته با حضور و برکت خدا.

● ۲- احتمالاً در طی دوران تحصیل الهیات، درس تاریخ کلیسا را چندان جدی نگرفته‌اید. کتابها و جزوات مربوط به دروس تاریخ کلیسا را مجدداً مرور کنید. خواهید دید که در قرون گذشته، بسیاری

مانند شما فکر کرده‌اند که «کار تمام است» و این بار، همه چیز آن طور که آنان گفته‌اند خواهد شد. اما چنین نشده! برعکس؛ معمولاً همه افراطها در نهایت به بدعت انجامیده‌اند.

● ۳- کمی مجلات مسیحی را ورق بزنید و به اخبار کلیسایی از گوشه و کنار توجه کنید. همین کمک می‌کند تا به عاقبت بسیاری که تا کمی پیش، باد به غبغب انداخته و از فعالیتها و کارهای عجیب و غریب خود، آمارهای نجومی ارائه می‌دادند، پی ببرید. ایشان یا از کلیسای خود اخراج شده‌اند یا به زندان افتاده‌اند!

● ۴- افکار و روشهای خود را وحی مُنزَل ندانید. شبان خوب، برگله خدا خداوندی نخواهد کرد (اول پطرس ۲:۵-۳). اجازه دهید خدا کار خودش را بکند و کلیسایش را بطور طبیعی به جلو ببرد. شما هم به عنوان خادم خدا و کلیسا، وظیفه خود را انجام دهید.

خلاصه مطلب

دقت کنید! کلیسا یعنی جماعت ایمانداران که به عبادت خداوند خود فرا خوانده شده‌اند. کلیسا را تبدیل به یک گروهک نکنید! جلسات متعدد خانگی و خارج از محیط کلیسا، تحکّم شبان بر اعضا و دخالتش در زندگی خصوصی آنها، پدید آوردن ایمانداران کلیشه‌ای و مشابه با حالات و سکنات و بیانات تکراری و تقلیدی، و باد کردن بادکنک رؤیاهای دور از دسترس، همه و همه با بافت اصیل کلیسای تاریخی مسیح در تناقض‌اند. واقعیت این است که این مشخصه‌ها به

گروه‌های بدعتکاری مانند «شاهدان یهوه» و «فرزندان خدا» (Children of God) بیشتر قابل اطلاق‌اند که اهل جلسات خصوصی (به جای کلیساهای آشکار و عیان)، تربیت مأموران تبلیغی با ساعات کار روزانه مشخص (به جای مبشّران آزاد)، و نقشه‌های پنهانی و استراتژی‌های آنچنانی برای فتح دنیا (به جای رشد طبیعی کلیسا) هستند.

کلیسای متعادل، از ایماندارانی تشکیل می‌شود که در کنار جلسات کلیسایی و خانگی یکی در روز در هفته، زندگی طبیعی خود را هم دارند. شبانشان هم انسان متعادلی است که کلام خدا را بدون هیاهو برایشان موعظه می‌کند و می‌کوشد تا به‌عنوان خادم خدا و خادم کلیسا، دست مردم را در دست خدا بگذارد. بیش از این قصد تحکّم بر آنها و دخالت در هر تصمیمشان را ندارد. بر هیچ چیز خاصی هم تأکید بیش از حدّ نمی‌شود.

شاید یکی از علل این امر این باشد که در کشورهای غربی مردم بقدری از موعظه و پیغام صوتی و تصویری مبشّران بازار گرم‌کن اشباع هستند که تا کسی حرفی کافی عجیب و غریب نزنند و ادعاهای بزرگ از زبانش بیرون نیاید، کسی به او توجه نمی‌کند. اما شبانان عزیز، به گفته پولس رسول گوش فرا دهیم که فرموده: «به آن فیضی که به من عطا شده است هر یکی از شما را می‌گویم که فکرهای بلندتر از آنچه شایسته است مکنید بلکه به اعتدال فکر نمایید ... اعتدال شما بر جمیع مردم، معروف بشود» (رومیان ۱۲:۳؛ فیلیپیان ۴:۵). ■

خادم در مقام مدیر

بخش پنجم: رهبری

نوشته آرمان رشدی

دستورالعمل‌های داده شده، مشغول به کار می‌شوند. در اینجاست که شبان باید نقشی بسیار حیاتی و حساس ایفا کند. این نقش بیشتر به «شخصیت» او مربوط می‌شود تا به قابلیت او در امر مدیریت.

شخصیت رهبر

مدیر برای رهبری افراد، یعنی الهام بخشیدن و انگیزش دادن به ایشان، باید از خصوصیات زیر برخوردار باشد.

شخصیتی قوی: یکی از خصوصیات

مهم رهبر، برخورداری از شخصیتی قوی می‌باشد. او باید دارای اعتماد به نفسی منطقی و به جا باشد، بدون اینکه به آن تظاهر کند. شخصیت و رفتار او باید تأثیرگذارنده باشد. کارکنان نباید در تصمیمات و عزم او تزلزل و تردید ببینند. عزم راسخ او در نیل به هدف، باید الهام‌بخش ایشان در مواقعی باشد که کار سخت و شرایط توان‌فرسا می‌نماید.

کاردانی و تخصص: کارکنان و همکاران

شبان باید ببینند که او در کارهایی که به ایشان محول کرده است، صاحب‌نظر می‌باشد. او باید با ارائه نظرات و پیشنهادهای مناسب و درست، ایشان را ارشاد نماید. این امر سبب جلب اعتماد کارکنان می‌شود و ایشان را (بقیه در صفحه بعد)

در شماره‌های گذشته، بیان کردیم که هر شبانی که با تعدادی عضو سر و کار داشته باشد، خواه ناخواه درگیر امور مدیریت می‌گردد. دیدیم که عناصر مدیریت عبارتند از: تعیین هدف؛ برنامه‌ریزی؛ سازماندهی؛ رهبری؛ کنترل و نظارت. در مقاله پیشین در خصوص سازماندهی بحث کردیم. در این مقاله، به موضوع رهبری خواهیم پرداخت.

این نکته را می‌توانیم با نمونه‌ای از زندگی موسی توضیح دهیم. او به همراه سایر مشایخ، قبیله‌های مختلف قوم اسرائیل را سازماندهی کرده بود تا همه با نظم و ترتیب و سازمانی خاص در بیابان حرکت کنند. همه چیز به‌طور صحیح از نظر اصول مدیریت طرح‌ریزی شده بود، اما این «شخصیت» موسی بود که در کالبد تمام این تشکیلات روح می‌دمید و همه را به «حرکت» و می‌داشت. گرچه هر کس وظیفه و مسئولیت خود را می‌دانست و آن را به‌انجام می‌رساند، اما نگاهها همه به او بود تا از او الهام بگیرند. این نقش را قدرت «رهبری» می‌نامند.

شبان در مقام مدیر، باید «رهبر» خوبی نیز باشد. رهبری خوب یک عنصر شخصیتی و رفتاری است. مدیر باید با شخصیت و رفتار خود، کارکنان را رهبری کند. او باید با خصوصیات رفتاری خود، و ایجاد ارتباطی درست و مناسب، ایشان را برای انجام کار انگیزش دهد، یعنی آنان را به انجام کار

در شماره‌های گذشته، بیان کردیم که هر شبانی که با تعدادی عضو سر و کار داشته باشد، خواه ناخواه درگیر امور مدیریت می‌گردد. دیدیم که عناصر مدیریت عبارتند از: تعیین هدف؛ برنامه‌ریزی؛ سازماندهی؛ رهبری؛ کنترل و نظارت. در مقاله پیشین در خصوص سازماندهی بحث کردیم. در این مقاله، به موضوع رهبری خواهیم پرداخت.

رهبری چیست

مدیر (شبان یا خادم کلیسا) اهدافی را برای کلیسای خود در نظر گرفته است. برای نیل به این اهداف، برنامه‌های لازم را تهیه دیده است. برای اجرا و تحقق این برنامه‌ها نیز سازمان و تشکیلات مناسبی ترتیب داده است. اکنون مسئولین مختلف هر یک در مسئولیت خود مشغول کار شده‌اند.

در شماره قبل، نمونه‌ای آوردیم از کلیسایی که ۲۰ عضو دارد و هدفش برای سال ۲۰۰۲، این است که این تعداد را به ۳۰ نفر افزایش دهد. برادر رامین مسئول تبلیغ جلسات کلیسایی است، خواهر سارا مسئول امور خیریه و کمک‌رسانی به نیازمندان و پناهندگان، خواهر زهره مسئول ضیافت و پذیرایی است و غیره. اینها همگی مطابق برنامه‌ای که برایشان تعیین شده، و مطابق

(دنباله صفحه قبل)

به تبعیت و اطاعت از او تشویق می‌نماید.

شبان برای آنکه رهبری کاردان باشد، باید دائماً به فراگیری و اعتلای معلومات خود بپردازد. واعظی که شنوندگانش بتوانند از او ایرادات درست بگیرند، قطعاً الهام‌بخش ایشان نخواهد بود! معلمی که در ارائه مطالب دچار اشتباه شود، اعتماد شاگردان خود را از دست خواهد داد. مدیری که اهداف و برنامه‌های خود را از یاد ببرد یا نسبت به آنها بی‌تفاوت باشد، باعث دلسردی همکاران خود خواهد شد.

خصوصیات اخلاقی: علاوه بر

توانایی‌های فوق، رهبر باید از خصوصیات اخلاقی والایی برخوردار باشد.

● او در ارتباط شخصی و کاری‌اش با افراد باید درستکار و منصف باشد. نباید میان هیچکس تبعیض و تفاوت قائل شود.

● او باید به نظر دیگران احترام بگذارد. اهانت به نظر دیگران، نهایتاً باعث مخالفت ایشان با شبان و کارها می‌گردد. توجه به نظر دیگران، می‌تواند دریچه جدیدی را برای انجام بهتر کارها بگشاید.

● رهبر باید اطرافیان خود را درک کند. باید بکوشد مشکلات طرف مقابل را از دیدگاه او ببیند و نظر خود را بر او تحمیل نکند.

● رهبر باید رازدار باشد. بسیاری از ما که اسرار خود را از دهان دیگران شنیده‌ایم، دیگر هیچگاه سرتی را با شبان خود در میان نخواهیم گذاشت. اگر دیدید که شبانی اسرار دیگران را با شما در میان می‌گذارد، مطمئن باشید که اسرار شما را نیز به دیگران بازگو خواهد کرد 😊!

● باید وقت‌شناس باشد. رهبری که عادت دارد در وقت مقرر در محل ملاقات خود حاضر نشود، برای شخصیت و وقت دیگران احترام قائل نیست. افراد اعتماد خود را به او از دست خواهند داد.

● باید با انضباط و مرتب باشد. میز ریخت و پاش و نامرتب، حکایت از بی‌نظمی شخصیت رهبر دارد. این امر اثر بدی بر افراد می‌گذارد.

● باید خوشرو باشد.

● باید با ملاطفت و مهربانی با اعضا رفتار کند. حقیقت را می‌توان طوری با ملاطفت و پدرا نه گفت که نه فقط مخالفت و رنجش ایجاد نکند، بلکه سبب شود که شنونده با رغبت آن را به‌جا آورد. محبت دلها را نرم می‌کند.

● باید انعطاف‌پذیر باشد. اعضای کلیسا باید احساس کنند که رهبرشان حاضر است روش خود را با شنیدن نظرات منطقی ایشان تغییر دهد.

رهبر نباید به داشتن این خصوصیات تظاهر کند، و همچنین نباید برای ایجاد آنها خود را تحت فشار قرار دهد. بلکه باید اجازه دهد که روح‌القدس آنها را در او پدید آورد.

به‌علاوه، رهبر نباید از مقام خود با اقتدار و حاکمیت استفاده کند. این امر از محبوبیت او خواهد کاست. او باید با اخلاق خود در دلها نفوذ کند.

ایجاد ارتباط با افراد

یکی از عوامل بسیار مهم در موفقیت شبان در مقام رهبر، روش او در ایجاد ارتباط با افراد می‌باشد.

علت ضرورت ارتباطات

بدون ارتباط صحیح با همکاران، رهبر موفق به ایجاد هماهنگی در کارها نخواهد شد، و پیشبرد کارها امکان‌پذیر نخواهد بود، و افراد انگیزشی برای اجرای برنامه‌ها نخواهند یافت.

وسیله ایجاد ارتباط

وسیله ایجاد ارتباط با دیگران «کلمات» است. هر کلمه ارزش و بار معنای خاصی دارد؛ برای هر کس، این بار معنی ممکن است متفاوت باشد. از اینروست که باید در کاربرد کلمات بسیار هشیار و حساس بود.

روش ایجاد ارتباط

برای ایجاد ارتباط با اعضای کلیسا، شبان باید شخص طرف مشورت خود را درک کند. به این منظور، به‌جای «گفتن» باید «شنود». شبان باید شنونده خوبی باشد. اینجاست که اهمیت این آیه را درک می‌کنیم که می‌فرماید: «هر کس در شنیدن تند و در گفتن آهسته... باشد» (یعقوب ۱: ۱۹).

شبان باید طرز استدلال او را درک کند؛ باید دنیای او را، گذشته و سوابق او را بشناسد. و در آخر، باید بکوشد از میان سخنان او، نیاز واقعی او را تشخیص دهد. بسیاری اوقات، انتقاداتی که اعضای کلیسا از شبان می‌کنند، صرفاً به‌خاطر این است که توجه او را جلب کنند؛ نیاز واقعی آنها توجه شبان است. در چنین شرایطی، به محض اینکه شخص از محبت شبان به خود مطمئن شد، دیگر دست از انتقاد بر خواهد داشت.

(دنبالهٔ صفحه ۴)

نشده‌اید، به ایشان پند و اندرز ندهید. دیگر آنکه وقتی با دقت و محبت به صحبت‌های آنان گوش می‌دهید، بذر امید را در قلبشان می‌نشانید.

در این جا به برخی از برکات توجه دقیق و هشیارانه به صحبت‌های مردم، اشاره می‌کنم:

- گوش کردن به شما این امکان را می‌دهد که وضعیت را بهتر ارزیابی کنید و در نهایت بتوانید به سؤالات مردم پاسخی سازنده‌تر بدهید.
- دیگر آنکه سبب می‌شود تا بتوانید با افراد ارتباط صمیمانه برقرار کنید و نشان بدهید که واقعاً در صدد هستیید تا به آنان کمک کنید.
- باعث تعمیق رابطه دوستانه با آنان می‌شود.
- با گوش دادن به دیگران به آنان فرصت می‌دهید که خود را از تنش‌ها و یأس‌هایی که بدان گرفتار شده‌اند آزاد کنند.
- در نهایت با شنیدن، به افراد فرصت می‌دهید که بتوانند احساسات خود را در قالب کلمات بیان کنند و همین به آنان این امکان را می‌دهد که وضعیت خود را بهتر درک کنند.

۲- مشکلات افراد را انکار نکنید و یا

کوچک شمارید. ما مسیحیان اغلب به شکل کلیشه‌ای و فرمولی، پاسخ‌هایی از پیش تعیین‌شده به مردم می‌دهیم، نظیر «برای آن موضوع دعا کن» و یا «نگران نباش، همه چیز درست خواهد شد». این پاسخ‌ها به مثابه این است که به جای غذا دادن به فردی گرسنه، به او کتاب آشپزی بدهیم! بنابراین بهتر است بگوییم: «من می‌دانم که شما برای درک اراده الهی در زندگی‌تان در رنج و تلاش هستیید. آیا

مایید که در خلال این هفته ملاقاتی داشته باشیم و در مورد مشکل‌تان کلام خدا را با هم بررسی کنیم؟»

۳- به دردمندان و مصیبت‌زدگان

پیامی حاکی از امید بدهید مبنی بر اینکه پاسخ مشکلاتشان نزد خداست. «زیرا همه چیزهایی که از قبل مکتوب شد، برای تعلیم ما نوشته شد تا به صبر و تسلی کتاب امیدوار باشیم» (رومیان ۱۵: ۴). آنان را با کلام خدا و آنچه که خدا در رابطه با مشکلاتشان می‌گوید، آشنا کنید (دوم تیموتاؤس ۳: ۱۶).

این نکته حائز اهمیت است که امیدی که به نیازمندان می‌دهید مبتنی بر سه اصلی باشد که هر مشاور معتقد به کلام خدا به آن ایمان دارد:

- هر تغییر و تحولی که خدا در کلام خود وعده می‌دهد، امکان‌پذیر است.
- هر فرمانی که خدا انتظار اطاعت آن را از ما دارد، قابل اطاعت و عملی است اما با قوت روح خدا.
- هر آنچه برای تغییر و تحول بدان نیازمندیم در مسیح و کلام او یافت می‌شود.

۴- افراد را آگاه سازید که گناه

منشاء اکثر مشکلات است. باید این امر را

به فال نیک گرفت چرا که کلام خدا به ما می‌آموزد که با گناه چه کنیم. درک این مطلب که ریشهٔ مشکل می‌تواند در نگرش و یا اعمال گناه‌آلودمان باشد، درکی است رهایی‌بخش، زیرا یک مسیحی می‌داند که در صورت ارتکاب گناه باید از کردهٔ خود توبه کند. «پس توبه و بازگشت کنید تا گناهان شما محو گردد و تا اوقات استراحت از حضور خداوند برسد» (اعمال ۳: ۱۹).

۵- بر اساس کلام خدا قدم‌هایی را

که افراد باید در مسیر درک اراده الهی بردارند، به آنان بیاموزید. من خود قویاً تأکید می‌کنم که افراد را در خصوص طی کردن این مراحل هدایت کنید:

- پرستش: به افراد بیاموزید که هرگز نباید از عبادت و پرستش خداوند دست بردارند. (اول تسالونیکیان ۵: ۱۶-۱۸).
- آنان را آگاه سازید که اگر نمی‌توانند خداوند را پرستش کنند، این امر حاکی از آن است که نگرشی نادرست دارند که باید شفا یابد.
- اطاعت: به ایشان بیاموزید که مهم نیست چه احساسی دارند، بلکه در هر حالتی باید به اطاعت از خداوند ادامه دهند (پیدایش ۴: ۶-۷). اطاعت موجب نازل شدن برکات خداوند می‌شود و روح فرد را متحول و بیدار می‌سازد؛ حال آنکه ناطاعتی موجب شکست و یأس بیشتر می‌شود.
- پایداری: افراد را تشویق کنید که تسلیم نشوند و امید خود را از دست ندهند و همواره امیدوار باشند که خداوند در مشکلات امدادشان کند (رومیان ۵: ۱-۶). «آنانی که منتظر خداوند می‌باشند، قوت تازه خواهند یافت» (اشعیا ۴۰: ۳۱).

امیدی که بر اساس کلام خداست، حاصل ایمان به خدایی است که فرزندان خود را از یاد نمی‌برد، بلکه حاضر است تا در مشکلات امدادشان کند. حال بر عهدهٔ مشاوران مسیحی است که در خصوص این امید به ایمانداران اطمینان بدهند، و آنگاه که از امید اطمینان حاصل شد، می‌توانند موضوعات را مطرح کنند و برای بررسی و حل آنها برنامه‌هایی طرح کنند. ■

(دنباله صفحه ۸)

وقتی عوالم طرف مقابل را درک کردیم و نیاز واقعی او را تشخیص دادیم، نخست واکنشهای او را بهتر درک خواهیم کرد و دوم، ر اهنمایی‌هایمان به او متناسب با حال و روز او خواهد بود.

شبان موفق کسی است که «طول موج» گیرنده طرف مقابل خود را کشف کند و روی همان طول موج با او ارتباط برقرار کند.

چند نمونه از کتاب مقدس

عیسی استاد فن ایجاد ارتباط بود. او تنها انسانی بود که نیاز واقعی افراد را می‌دید و گفتگو را به همان سمت سوق می‌داد.

برای مثال، ببینید که این استاد اعظم چگونه با زن سامری بر سر چاه ارتباط برقرار می‌کند. او گفتگو را با یک موضوع که مورد علاقه هر دو طرف بود آغاز کرد: آب! عیسی تشنه بود و زن نیز به آب چاه دسترسی داشت. از این نکته ساده، عیسی نیاز واقعی زن را به او نشان داد و او را به حقیقتی عالی رهنمون شد. ما نمی‌توانیم از خود انتظار داشته باشیم که همچون عیسی، نیازهای افراد را بی‌درنگ تشخیص دهیم. اما می‌توانیم با شنیدن به درد دلشان به این هدف برسیم.

گفتگوی عیسی با نيقوديموس نیز بر همین منوال بود. سخنان عیسی به او در مسیر گفته‌های او نبود، بلکه در مسیر نیاز واقعی‌اش.

آیا ر اهنمایی‌های ما به افراد در جهت رفع نیازهای ایشان هست؟ اگر نباشد، قادر نخواهیم بود همچون رهبری کارآمد، افراد خود را تشویق به خدمت کنیم.

در نمونه‌ای دیگر، عیسی را در مقام رهبری می‌بینیم که یکی از کارکنان برجسته خود را با روشی کاملاً ملاحظت‌آمیز و غیرمستقیم راهنمایی کرد، بدون اینکه دلش را بشکند. مأمورین جمع‌آوری مالیات معبد اورشلیم نزد پطرس آمده بودند و از او پرسیده بودند که آیا عیسی این مالیات را خواهد داد یا نه. پطرس نیز بدون اینکه نظر عیسی را جویا شود، گفته بود که خواهد داد.

وقتی وارد خانه شد، عیسی بر او سبقت جست و پرسید که آیا پادشاهان از فرزندان خود نیز مالیات می‌گیرند؟ پطرس پاسخ داد که نه. آنگاه عیسی به او فرمود که به کنار دریا برود و اولین ماهی که صید کند، چهار درهم خواهد یافت که برای هر دوی آنها کافی خواهد بود! پطرس قطعاً خجالت‌زده شد، اما نرنجید. او درس خود را خیلی خوب فرا گرفت.

آیا ما خادمین با زیردستان خود اینگونه رفتار می‌کنیم؟ آیا ر اهنمایی‌های ما همراه با ملاحظت و خوشرویی هست؟

مدیر خوب و رهبر خوب

در خاتمه باید این نکته را یادآوری کنیم که شبان ممکن است مدیر خوبی باشد، یعنی تمام عناصر مدیریت را به‌درستی پیاده کند (نظیر تعیین هدف و برنامه‌ریزی و سازماندهی)، اما رهبر خوبی نباشد، یعنی خصوصیات شخصیتی و رفتاری درستی نداشته باشد و نتواند ارتباط درستی با زیردستان خود ایجاد کند.

عکس این نیز صادق است. شبان ممکن است مدیر خوبی نباشد، اما به‌خاطر شخصیت نیرومند و رفتار شایسته و موفقیت در ایجاد ارتباط با اعضای کلیسا یا زیردستان خود، رهبری موفق باشد.

اما خوشایه‌حال کلیسایی که شبانش هم مدیر خوبی باشد و هم رهبری خوب!

در شماره آینده، به آخرین بخش این سلسله مقالات خواهیم پرداخت، یعنی به مبحث کنترل و نظارت. ■

سرودهای جدید

کاست و سی‌دی «نیایش ۲» همراه با سرودنامه و نُت‌نامه آن هم‌اکنون در دسترس است. برای تهیه آن و یا کسب اطلاعات بیشتر، لطفاً با نشانی کلیسای فارسی‌زبان محبت در دانمارک تماس حاصل فرمایید.

Church of Love, Pinsekirken, Ostergade 57-59, 5000 Odense, Denmark
Tel: +45- 40 53 25 23; E-mail: info@mohabat.net

طرح کلی برای تهیه موعظه

از آرمان رشدی

چگونه می‌توانیم تغییر کنیم؟

۱- مقدمه

پرخاشگر بودن، کینه‌توزی، بدبینی، منفی‌بافی، نگرانی، لجبازی، افسردگی و نظایر اینها).

- تغییر در زمینه‌هایی که در اثر عوامل محیطی جزو عادات ما شده‌اند (خودبزرگ‌بینی، پرتوقع بودن، جاه‌طلبی، ریاکاری و تظاهر، غیبت، زودرنجی، خودشیفتگی، زود قضاوت کردن، بی‌مهری، بی‌وفایی، دروغ‌گویی، زناکاری، شهوت‌پرستی، لذت‌جویی، عیش و نوش، جادوگری و فال‌بینی و نظایر اینها).

ما در طول زندگی روحانی‌مان، ضعف‌های بسیاری در خود می‌یابیم و با مشاهده آنها دچار سرخوردگی و یأس می‌شویم. از خود می‌پرسیم که مگر تولد تازه نیافته‌ایم، پس چرا هنوز این طور یا آن طور رفتار می‌کنیم؟ پس چرا هنوز ایتقدر درگیر ضعف‌هایمان هستیم؟

۲- مفهوم تولد تازه

- تولد تازه در وهله اول یعنی تغییر جایگاه، یعنی انتقال از خانواده شیطان به خانواده خدا، یعنی بر خورداری از فرزندخواندگی خدا.
- این فرزندخوانده جدید در خانواده خدا هنوز خیلی راه دارد تا اصول رفتاری خانواده جدید را بیاموزد.
- این فرزند هنوز خیلی راه دارد تا رشد کند و به مرحله بلوغ برسد.
- این فرزند باید با پدر همکاری کند تا تغییر در وجودش پدید آید.

۳- در چه مواردی باید عوض شد

- تغییر در رفتارهایی که جزو سرشت ماست (نظیر زودخشمی،

۴- چگونه می‌توان در خود تغییر بوجود آورد

- فروتن شدن: تشخیص ضعف و گناه و پذیرفتن آن
- اشتیاق واقعی برای تغییر
- دعای مرتب برای تغییر و توکل به کمک خدا
- تفکر در مورد علل و ریشه‌های این ضعف‌ها و گناهان
- تمرین به کمک خدا
- نترسیدن از شکست و میل به تلاش دوباره

پاسخ به نامه‌ها

به صورت جمع اشاره کنیم تا خصوصیات را که شخص باید در مسیح داشته باشد، به روشنی بیان کرده باشیم. ثمره روح‌القدس همچون «یک بسته» است که خدا به ما عطا می‌کند. اما وقتی این بسته واحد را باز می‌کنیم، می‌بینیم که نه ثمره در آن وجود دارد.

با احترام
تت استیوآرت

اگر به غلاطیان ۵:۲۲ مراجعه کنید، خواهید دید که عبارت «ثمره روح» مفرد است اما بر خلاف آن «اعمال جسم» به صورت جمع آمده است. من با این خواننده دقیق موافقم که ثمره روح باید مفرد باشد زیرا ایمان‌داری که در روح سلوک می‌کند، باید ثمره‌ای را که در آیات ۲۲ و ۲۳ آمده است، دارا باشد.

اما این نیز درست است که در این ثمره، تنوعی هست و گاه به جاست که به این نه ثمره

یکی از خوانندگان ما با ارسال نامه‌ای، سؤالی در باره مقاله «وظایف شبان در کتاب‌مقدس» از شماره قبلی مجله، از من کرده‌اند. ایشان ذکر کرده‌اند که در صفحه ۹، در بحث در باره «ثمره روح»، این عبارت را یک بار به صورت مفرد و یک بار به صورت جمع (ثمره‌های روح) به کار برده‌ام. ایشان تذکر داده‌اند که آیا نباید این عبارت همیشه به صورت مفرد باشد؟

(دنباله ص ۱)

کارها را کند نزد خداوند مکروه است و به سبب این رجاسات، پیهه خدایت، آنها را از حضور تو اخراج می‌کند.»

در ابتدا با خواندن این آیات ممکن است فکر کنید که مردم امروزه در کلیسای عیسی مسیح دست به اینگونه اعمال شیطانی نمی‌زنند. اما ببینید با هم به بعضی از عاداتی که در بسیاری از کلیساهای ما مرسومند نظری بیندازیم. ما باید قلب خود را تفحص کنیم و مطمئن شویم که در مسیر درک و تعیین اراده خدا، با روشهای خود، او را آزرده نمی‌سازیم. من در کلیسای چهار گوش گناه‌آلود را مشاهده کرده‌ام که به ترتیب آنها را ذکر می‌کنم.

۱- اشتباه گرفتن احساسات قلبی

خودمان با اراده خدا. برخی اینگونه فکر می‌کنند که پس از دعا و طلبیدن اراده الهی، اولین احساسی که بدیشان دست می‌دهد، نشانی است از اراده خدا. این افراد آمال و آرزوهای خود را با اراده خدا اشتباه می‌گیرند. حتماً تاکنون بارها شنیده‌اید که گفته‌اند «خداوند این موضوع را در قلب من گذاشته است». در واقع این چیزی نیست که خدا برای آنان آشکار کرده باشد، بلکه نتیجه تصورات و خیال‌پردازی‌هایی است که پیرامون آرزوهایشان داشته‌اند. خوب به یاد دارم که یکبار برادرم به من گفت که خانمی مسن به او گفته بود: «خدا به من نشان داده که با شما ازدواج کنم.» و برادرم در جواب به او گفته بود: «چگونه است که خداوند فقط این موضوع را به شما نشان داده است؟» آیا خدا در نشان دادن اراده خود به فرزندانش تبعیض قائل می‌شود؟ خوب است که آنچه را ارمیای نبی در خصوص قلب‌های مان گفته به خاطر بیاوریم «دل از هر چیز دیگر فریبنده‌تر است و بی‌علاج، کیست که اسرار آن را بداند؟» (ارمیا ۱۷:۹). هر چند کتابمقدس در نقطه مقابل به ما تعلیم

می‌دهد که فریفته نشویم و بدانیم که «راهی است که در نظر انسان راست می‌نماید، اما عاقبت آن منتهی به هلاکت است.» (امثال ۱۶:۲۵) و دیگر اینکه مطابق اول یوحنا ۴:۱۷ روح‌ها را بیازماییم و از حکما مشورت بجوییم زیرا «حکمت نزد آنان است که پند و اندرز می‌پذیرند» (امثال ۱۳:۱۰). باید تمامی احساسات قلبی‌مان را با محک کلام خدا بسنجیم و در خصوصشان از ایمانداران حکیم و روحانی مشورت بطلبیم.

۲- استفاده غلط از کلام خدا به شکل

«در کتاب باز کردن» و یا «فالگیری». برخی در این روش، کتابمقدس را بطور اتفاقی باز می‌کنند و به مجرد اینکه چشمشان به آیه‌ای افتاد باور می‌کنند که همان آیه هدایت خدا است برای ایشان. استفاده از این روش ممکن است نتایج مضحکی در بر داشته باشد، نظیر داستان آن شخصی که بطور اتفاقی کتابمقدس را باز کرد و چشمش به این آیه افتاد: «یهودا بیرون رفت و خود را به دار آویخت». سپس یکه خورد و مجدداً کتابمقدس را باز کرد و این آیه را دید «برو و تو نیز چنین کن!» این بار که دیگر کاملاً جا خورده بود کتابمقدس را باز کرد و چنین خواند «در آنچه می‌خواهی بکنی، تعجیل کن!» هر چند این نمونه مضحک به نظر می‌رسد، اما بخوبی نشانگر این واقعیت است که اگر توسط کتابمقدس در طلب درک هدایت الهی باشیم، پس باید برای مطالعه آن برنامه منظم و اصولی داشته باشیم؛ و آنگاه از دیدن اینکه چگونه کلام خدا هر روزه با ما سخن می‌گوید، شگفت‌زده خواهیم شد.

۳- اشتباه گرفتن احساس آرامش

قلبی به‌عنوان نشانی از تأیید و اراده خدا. در رساله یعقوب ۳:۱۷ می‌خوانیم «حکمتی که از بالاست صلح‌آمیز است و ملایم». اما آرامش تنها و آخرین نشانه در

تأیید اراده خدا نیست. وقتی یونس نبی از انجام اراده خدا سر باز زد و به دیاری دیگر می‌گریخت، در طی سفر آرام بر عرشه کشتی بخواب رفت، در حالی که عیسی در نقطه مقابل برای انجام اراده خدا عرق خون بر پیشانی داشت. یک بار ایماندارانی که قصد داشت با شخصی بی‌ایمان ازدواج کنند، در پاسخ به اعتراض من چنین گفت: «خدا در مورد این موضوع به من آرامش داده است!» وقتی ما تصمیم می‌گیریم دست به عملی بزنیم که مخالف کلام خداست، باید این نکته را بدانیم که حتی اگر احساس آرامش نیز بکنیم، آن آرامش از جانب خدا نیست.

۴- پذیرفتن راهنمایی و مشورت

افرادی که ادعا می‌کنند از جانب خدا

پیامی برای ما دارند. بار دیگر باید این نکته را خاطرنشان کنم که من منکر این نیستم که خداوند می‌تواند از طریق دیگران نیز با ما صحبت کند، اما چنین هدایتی باید با مشورت ایمانداران حکیم و رهبران کلیسا صورت بگیرد. «هر فکری را به اسارت مسیح اسیر می‌سازیم» (دوم قورنتیان ۱۰:۵). خداوند مشتاق است که به هر یک از ما بیاموزد که چگونه صدای او را از طریق مطالعه کلام او تشخیص بدهیم زیرا هر یک باید برای اعمال خود پاسخ‌گو و مسؤول باشیم (۲ قرن ۵:۱۰).

ما در همان حال که در پی شناخت خدا هستیم و با اطاعت و پیروی از فرامین او، اراده مکشوف او را برای زندگی‌مان می‌طلبیم، می‌توانیم از او حکمت نیز بطلبیم و برکات الهی را در زندگی‌مان تجربه کنیم. «به‌جهت مستقیمان، حکمت کامل را ذخیره می‌کند، و برای آنانی که در کاملیت سلوک می‌نمایند، سپر می‌باشد» (امثال ۲:۷).

در شماره بعد، در این مورد بیشتر سخن خواهیم گفت. ■

تت استیو آرت